

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان

# بررسی جنبه های عرفانی ادبیات عاشورایی

(از دوره ی صفویه تا زمان معاصر)

استاد راهنما

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور

دکتر زهرا پارساپور

پژوهشگر

اکرم کرمی

پاییز ۱۳۸۸

## چکیده

گستره‌ی معنایی حادثه‌ی عاشورا، آن را در طول زمان و موقعیت‌های تاریخی گوناگون، مستعد و آماده تفسیر و تأویل‌های تازه گردانده و ناظر و خواننده را به دریافت معنای آن حادثه وا می‌دارد. در این میان هر گروه، از ظنّ خویش یار این ماجرا گردیده و آن را با موقعیت وافق اندیشه‌ی خویش منطبق می‌کنند.

در میان قرائت‌های مختلفی که از حادثه‌ی عاشورا در طول تاریخ شیعه موجود است؛ دیدگاه عرفانی از جمله نظرگاه‌هایی است که همیشه مورد توجه‌ی علمای مسلمان و روشنفکران بوده است. در پرتو این نگاه بسیاری از اعمال و اقوال و حوادث عاشورایی رنگ و معنای دیگری به خود می‌گیرد و نگاه شاعر از سطح حادثه فراتر می‌رود و به عمق، روح و باطن موضوعات می‌پردازد. عرفا در این نظرگاه، کربلا را با سیر و سلوک اهل دل و سیر انفسی آن‌ها تطبیق می‌کنند و در نگاهشان، کربلا سیر نفسانی و کمالی اهل سلوک است.

آن‌ها از اسرار پشت پرده‌ی عاشورا پرده‌برداری می‌کنند. اسراری که چشم و عقل مورخان و جامعه‌شناسان از دیدن آن عاجز است، اسرار واقعیه‌ی که به دست یک انسان کامل به منصه‌ی ظهور رسیده است.

در نگاه ایشان، «کربلا»، «حسین»، «عطش»، «فرات»، «شهادت» و ... همه واژگانی هستند رمزی و نمادین که راز بشریت در آن‌ها نهفته است. بی‌گمان هر کس بی‌معرفت به این گل زار قدم نهد در بازار عرفان، طرفی نخواهد بست. در نگاه ایشان، آن چه امام حسین، علیه السلام، را به کربلا کشاند فقط عشق است و آن چه حوادث عاشورایی را توجیه می‌کند، رابطه‌ی عاشقانه‌ی بین محب و محبوب یعنی رابطه‌ی بین امام حسین، علیه السلام، و حضرت حق است. عشق و عرفان و بازتاب آن در حوادث عاشورایی، موضوع اصلی این بخش از رساله است.

در این رساله جایگاه عرفان در ادبیات عاشورایی، آشنایی شاعران با موضوع عرفان در ادبیات عاشورایی و جایگاه امام حسین، علیه السلام، در اشعار و کتاب‌های عرفانی، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه:** امام حسین، عرفان، عاشورا.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مرثیه سرایی.....
۲	پیش گفتار.....
۳	۱- مرثیه سرایی در ادب فارسی.....
۴	۱-۲- پیشینه‌ی مرثیه سرایی در ادب فارسی.....
۴	۱-۲-۱- مرثیه سرایی در ایران پیش از اسلام.....
۵	۱-۲-۲- مرثیه سرایی در عصر اسلامی.....
۶	۱-۳- کهن ترین مرثیه در شعر فارسی.....
۶	۱-۴- قالب و اوزان مرثیه در شعر فارسی.....
۶	۱-۵- محتوا در مرثیه.....
۷	۱-۶- انواع مرثی در ادب فارسی.....
۷	۱-۶-۱- مرثی درباری.....
۷	۱-۶-۲- مرثی شخصی.....
۷	۱-۶-۳- مرثی فلسفی.....
۷	۱-۶-۴- مرثی اجتماعی.....
۸	۱-۶-۵- مرثی داستانی.....
۸	۱-۶-۶- مرثی مذهبی.....
۸	۱-۶-۶-۱- نوحه.....
۹	۱-۶-۶-۲- شعر شهادت.....
۱۰	۱-۶-۶-۳- تعزیه.....
۱۱	۲- مرثیه‌های عاشورایی و پیشینه‌ی آن.....
۱۳	۳- مرثیه‌های عاشورایی در ادب فارسی.....
۱۴	۳-۱- موقعیت شاعران عاشورایی از آغاز تا قرن چهارم.....
۱۵	۳-۲- موقعیت شاعران عاشورایی از نیمه‌ی قرن چهارم تا نیمه‌ی قرن پنجم.....
۱۶	۳-۳- موقعیت شاعران عاشورایی از نیمه‌ی قرن پنجم تا قرن هفتم هجری.....
۱۷	۳-۴- موقعیت شاعران عاشورایی در قرون هفتم و هشتم هجری.....
۱۷	۳-۵- موقعیت شاعران عاشورایی در قرن نهم هجری.....

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۶-۳ موقعیت شاعران عاشورایی از قرن دهم تا نیمه قرن دوازدهم.....	۱۸
۷-۳ موقعیت شاعران عاشورایی از نیمه‌ی قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم.....	۱۹
۱-۷-۳ عوامل دخیل در دگرگونی محتوایی شعر عاشورا در عصر مشروطه.....	۲۱
۱-۱-۷-۳ ضرورت باز آفرینی در شعر عاشورا در عصر مشروطه.....	۲۱
۲-۱-۷-۳ قرائت‌های مختلف از فرهنگ عاشورا و تقابل آنها.....	۲۱
۱-۲-۱-۷-۳ نگاه احساسی وماتمی.....	۲۲
۲-۲-۱-۷-۳ نگاه عرفانی.....	۲۲
۳-۲-۱-۷-۳ نگاه احساسی.....	۲۲
۸-۳ مرثیه سرایی در ادبیات معاصر.....	۲۳
نتیجه گیری.....	۲۵
<b>فصل دوم: عرفان در واقعه‌ی عاشورا.....</b>	<b>۲۶</b>
پیش گفتار.....	۲۷
جنبه‌های عرفانی در واقعه‌ی عاشورا.....	۲۸
نتیجه گیری.....	۴۳
<b>فصل سوم: امام حسین از منظر عرفا.....</b>	<b>۴۴</b>
پیش گفتار.....	۴۵
۱- خواجه عبدالله انصاری.....	۴۶
۲- ابوسعید ابی الخیر.....	۴۶
۳- بابا طاهر.....	۴۷
۴- احمد جام.....	۴۸
۵- سنایی.....	۴۸
۶- مولوی.....	۴۹
۷- عطار.....	۵۴
۸- اوحدی مراغه‌یی.....	۵۶
۹- خواجه‌ی کرمانی.....	۵۶
۱۰- شاه نعمت الله ولی.....	۵۷

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱۱- سلمان ساوجی .....	۵۸
۱۲- عبدالرحمن جامی .....	۵۹
۱۳- عمادالدین نسیمی .....	۵۹
۱۴- اقبال لاهوری .....	۶۰
۱۵- عزالدین محمود کاشانی .....	۶۱
۱۶- هجویری .....	۶۲
۱۷- عبدالکریم بن هوازن قشیری .....	۶۳
۱۸- محی‌الدین ابن عربی .....	۶۳
۱۹- ضیاء الدین نخشی .....	۶۴
۲۰- کمال الدین خوارزمی .....	۶۵
۲۱- اردشیر العبادی مرزوی .....	۶۶
نتیجه گیری .....	۶۷
<b>فصل چهارم: ادبیات عاشورایی با نگرش عرفانی (از دوره‌ی صفویه تا زمان معاصر) .....</b>	<b>۶۸</b>
پیش‌گفتار .....	۶۹
۱- اهلی شیرازی .....	۷۰
۲- نظیری شیرازی .....	۷۳
۳- غافل مازندرانی .....	۷۵
۴- آصف الدوله .....	۷۶
۵- جوهری .....	۷۸
۱-۵- مجلس عرفانی در شهادت حضرت علی اکبر .....	۷۹
۲-۵- به میدان رفتن حضرت علی اکبر .....	۸۰
۶- میرزا تقی علی‌آبادی .....	۸۱
۷- محمد حسین بن همای اصفهانی شیرازی .....	۸۳
۸- وصال شیرازی .....	۸۴
۹- قآنی شیرازی .....	۸۹

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱۰- هنر جندقی.....	۹۲
۱۱- مدهوش تهرانی.....	۹۴
۱۲- داوری شیرازی.....	۹۶
۱۳- سروش اصفهانی.....	۹۹
۱۳-۱- حضرت علی اکبر از منظر سروش اصفهانی.....	۱۰۱
۱۳-۲- حضرت علی اصغر از منظر سروش اصفهانی.....	۱۰۴
۱۳-۳- حضرت عباس از منظر سروش اصفهانی.....	۱۰۵
۱۳-۴- حر از منظر سروش اصفهانی.....	۱۰۵
۱۳-۵- اصحاب عاشورایی از منظر سروش اصفهانی.....	۱۰۷
۱۴- همای شیرازی.....	۱۰۷
۱۵- هشیار شیرازی.....	۱۱۱
۱۶- حزنی بروجردی.....	۱۱۲
۱۷- سپهر کاشانی.....	۱۱۳
۱۸- وقار شیرازی.....	۱۱۴
۱۹- عندلیب کاشانی.....	۱۱۷
۲۰- قدرت قمی.....	۱۲۰
۲۱- مجرم افشار.....	۱۲۱
۲۲- نصرت اردبیلی.....	۱۲۳
۲۳- میرزا علی نقی حکیم.....	۱۲۴
۲۴- ناصر الدین شاه.....	۱۲۵
۲۵- جودی خراسانی.....	۱۲۶
۲۶- وفایی شوشتری.....	۱۲۹
۲۷- نیر تبریزی.....	۱۳۲
۲۷-۱- امام حسین از منظر نیر تبریزی.....	۱۳۴
۲۷-۲- حضرت علی اکبر از منظر نیر تبریزی.....	۱۳۷
۲۷-۳- عباس بن علی از منظر نیر تبریزی.....	۱۳۸



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۲۷-۴- حضرت زینب از منظر نیر تبریزی.....	۱۴۰
۲۷-۵- حر از منظر نیر تبریزی.....	۱۴۰
۲۷-۶- عبدالله بن الحسن از منظر نیر تبریزی.....	۱۴۲
۲۷-۷- حضرت سجاد از منظر نیر تبریزی.....	۱۴۲
۲۷-۸- حضرت قاسم از منظر نیر تبریزی.....	۱۴۲
۲۸-۲۸- عنقا طالقانی.....	۱۴۳
۲۸-۱- عباس بن علی از منظر عنقا.....	۱۴۴
۲۸-۲- شهادت حضرت علی اکبر از منظر عنقا.....	۱۴۶
۲۸-۳- شهادت حضرت قاسم از منظر عنقا.....	۱۴۹
۲۸-۴- شهادت علی اصغر از منظر عنقا.....	۱۵۰
۲۸-۵- ندای (هَلْ مِنْ مَغِیْثٍ) یا نفخه‌ی الهی.....	۱۵۱
۲۸-۶- شهادت حسین بن علی از منظر عنقا.....	۱۵۳
۲۸-۷- مجذوب شدن جوانی نصرانی در قتلگاه.....	۱۵۵
۲۹-۲۹- صفی اصفهانی.....	۱۵۷
۲۹-۱- حضرت عباس از منظر صفی علی شاه.....	۱۵۸
۲۹-۲- حضرت علی اکبر از منظر صفی علی شاه.....	۱۶۰
۲۹-۳- حضرت علی اصغر از منظر صفی علی شاه.....	۱۶۳
۲۹-۴- حضرت قاسم بن الحسن از منظر صفی علی شاه.....	۱۶۷
۲۹-۵- حضرت حسین از منظر صفی علی شاه.....	۱۶۵
۳۰-۳۰- محیط قمی.....	۱۶۸
۳۱-۳۱- عثمان سامانی.....	۱۷۰
۳۱-۱- حر از منظر عثمان سامانی.....	۱۷۸
۳۱-۲- عباس بن علی از منظر عثمان سامانی.....	۱۷۹
۳۱-۳- حضرت علی اکبر از منظر عثمان سامانی.....	۱۸۲
۳۱-۴- حضرت علی اصغر از منظر عثمان سامانی.....	۱۸۵
۳۲-۳۲- طرب شیرازی.....	۱۸۶

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۳۳- صامت بروجردی .....	۱۸۸
۳۴- ادیب الممالک فراهانی .....	۱۹۳
۳۵- سهای شیرازی .....	۱۹۵
۳۶- فرصت شیرازی .....	۱۹۷
۳۷- مدرس اصفهانی .....	۱۹۸
- نتیجه گیری .....	۲۰۲
فصل پنجم: ادبیات عاشورایی با نگرشی احساسی (از دوران صفویه تا زمان معاصر) .....	۲۰۳
پیش گفتار .....	۲۰۴
۱- بابا فغانی شیرازی .....	۲۰۵
۲- محتشم کاشانی .....	۲۰۶
۱-۲- محتوای کربلا نامه .....	۲۰۷
۲-۲- اشخاص در کربلا نامه .....	۲۰۷
۱-۲-۲- جبرئیل، جن و سایر فرشتگان .....	۲۰۸
۲-۲-۲- امام حسین .....	۲۰۸
۳-۲-۲- حضرت زینب .....	۲۰۸
۳-۲- خداوند در کربلا نامه .....	۲۰۹
۴-۲- ضد قهرمان / دشمنان .....	۲۰۹
۵-۲- ساختار کربلا نامه .....	۲۱۰
۳- زلالی خوانساری .....	۲۱۰
۴- شیخ بهایی .....	۲۱۲
۵- جويا تبریزی .....	۲۱۲
۶- حکیم شفایی اصفهانی .....	۲۱۳
۷- صائب تبریزی .....	۲۱۴
۸- واعظ قزوینی .....	۲۱۵
۹- فیض کاشانی .....	۲۱۶
۱۰- فضولی بغدادی .....	۲۱۷

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱۱- مؤذن خراسانی .....	۲۱۸
۱۲- وحشی بافقی .....	۲۱۹
۱۳- ابوالحسن فراهانی .....	۲۲۰
۱۴- حزین لاهیجی .....	۲۲۱
۱۵- فیاض لاهیجی .....	۲۲۲
۱۶- عاشق اصفهانی .....	۲۲۴
۱۷- محسن تتوی .....	۲۲۵
۱۸- تأثیر تبریزی .....	۲۲۶
۱۸-۱- ساختار و محتوای ترکیب‌بند تأثیر تبریزی .....	۲۲۷
۱۸-۲- اشخاص در ترکیب‌بند تأثیر تبریزی .....	۲۲۷
۱۸-۲-۱- حضرت زینب .....	۲۲۷
۱۸-۲-۱-۱- خطاب او با ذوالجناح پس از شهادت امام حسین .....	۲۲۸
۱۸-۲-۱-۲- خطاب او با پیامبر در قتلگاه .....	۲۲۸
۱۸-۲-۱-۳- خطاب او با شاه نجف .....	۲۲۸
۱۸-۲-۱-۴- خطاب او با باد صبا .....	۲۲۸
۱۸-۲-۲- حضرت سجاد .....	۲۲۸
۱۸-۲-۳- جن و ملک و جبرئیل .....	۲۲۸
۱۸-۲-۴- ضد قهرمان .....	۲۲۹
۱۹- آفرین لاهوری .....	۲۲۹
۲۰- شفیعی شیرازی .....	۲۳۰
۲۱- صباحی بیدگلی .....	۲۳۱
۲۲- رونق سنندجی .....	۲۳۳
۲۳- محمودخان ملک الشعرا صبا .....	۲۳۴
۲۴- شایق لرستانی .....	۲۳۶
۲۵- فتح‌علی خان صبای کاشانی .....	۲۳۷
۲۶- فتح‌علی شاه قاجار .....	۲۳۷

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۳۸.....	۲۶-۱- ساختار و محتوای ترکیب بند فتح علی شاه قاجار.....
۲۳۹.....	۲۶-۲- اشخاص در ترکیب بند فتح علی شاه قاجار.....
۲۳۹.....	۲۶-۲-۱- امام حسین.....
۲۳۹.....	۲۶-۲-۲- حضرت فاطمه.....
۲۳۹.....	۲۶-۲-۳- حضرت مصطفی و انبیا.....
۲۴۰.....	۲۶-۲-۴- ضد قهرمان.....
۲۴۰.....	۲۷- صحبت لاری.....
۲۴۱.....	۲۸- اشراق آصفی.....
۲۴۲.....	۲۹- گریان شهر آبی.....
۲۴۴.....	۳۰- طراز یزدی.....
۲۴۵.....	۳۱- غالب دهلوی.....
۲۴۷.....	۳۲- رضا قلی خان هدایت.....
۲۴۸.....	۳۳- کریم خان کرمانی.....
۲۴۹.....	۳۴- راجی تبریزی.....
۲۴۹.....	۳۵- نیاز اصفهانی.....
۲۵۰.....	۳۶- فدای مازندرانی.....
۲۵۱.....	۳۷- شیخ علی تهرانی.....
۲۵۲.....	۳۸- واصل کابلی.....
۲۵۳.....	۳۹- جیحون یزدی.....
۲۵۵.....	۴۰- فاضل بسطامی.....
۲۵۵.....	۴۱- سید اشرف‌الدین حسینی.....
۲۵۶.....	۴۲- صفایی جندقی.....
۲۵۷.....	۴۳- یغمای جندقی.....
۲۵۸.....	۴۴- محمدکاظم صبوری خراسانی.....
۲۶۰.....	۴۵- صفای اصفهانی.....
۲۶۱.....	۴۶- ایرج میرزا.....

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۴۷- حاج شیخ علی قرنی گلپایگانی.....	۲۶۱
۴۸- حاوی سنندجی.....	۲۶۳
۴۹- علی اکبر (بسمل) شیرازی.....	۲۶۴
۵۰- منصف قاجار.....	۲۶۴
۵۱- آشفته شیرازی.....	۲۶۴
۵۲- الفت هندی.....	۲۶۵
۵۳- نامی کرمانشاهی.....	۲۶۵
۵۴- سلطانی کلهر کرمانشانی.....	۲۶۵
۵۵- لسانی شیرازی.....	۲۶۶
۵۶- مفید شیرازی.....	۲۶۷
۵۷- خاکی شیرازی.....	۲۶۷
۵۸- گلبن کازرونی.....	۲۶۷
۵۹- گلشن شیرازی.....	۲۶۸
۶۰- ملانقی بروجردی.....	۲۶۸
۶۱- ناظم بروجردی.....	۲۶۹
۶۲- فانی بروجردی.....	۲۶۹
۶۳- ناطق بروجردی.....	۲۶۹
۶۴- فنای زنوزی.....	۲۶۹
۶۵- محرم یزدی.....	۲۷۰
۶۶- محمد حسین آذربایجانی.....	۲۷۰
۶۷- اخوی تهرانی.....	۲۷۱
۶۸- آشوب آشتیانی.....	۲۷۱
۶۹- سید احمد دهکردی.....	۲۷۲
فصل ششم: اصطلاحات و اشارات عرفانی.....	۲۴۷
فهرست آیات.....	۲۹۲
فهرست احادیث.....	۲۹۳

# فصل اول

مرشد سرالهی

## پیش‌گفتار

مسأله‌ای که از آغاز ذهن بشر را به خود مشغول کرده، مسأله‌ی مرگ است. مرگ اقوام و نزدیکان تأثیر عمیقی بر عواطف و احساسات انسان داشته است. انسان برای تسلی دادن آلام و تأثرات درونی خویش در جست‌وجوی راهی برای بیان آن است و شعر بی‌نظیرترین راه در این زمینه به شمار می‌رود.

در چنین شرایطی فرد مصیبت‌زده یا خود شعر می‌سراید یا دیگری برای تسلی وی چنین می‌کند، خلاصه در این شرایط، به شعری که در رثای فرد متوفی و یا کم کردن غم و اندوه فرد مصیبت‌زده سروده می‌شود مرثیه می‌گویند.

مرثیه‌سرایی و یا آیین سوگ و سوگواری در زبان و فرهنگ ایران قبل از اسلام کمتر به چشم می‌خورد و مرثیه رنگ ضعیفی در زندگی مردم ایران زمین دارد.

با تغییر مذهب مردم ایران زمین و آمیختگی دو فرهنگ ایرانی و عربی و آشنا شدن ایرانیان با زبان و ادبیات عرب، فرهنگ و ادبیات جدیدی به نام فرهنگ و ادبیات ایرانی-اسلامی متولد شد.

پس از تولد این فرهنگ، انواع ادبی در هر دو فرهنگ دست‌خوش تغییر و تحولات شگرفی گردید. در این حوزه، مرثیه به عنوان یک نوع ادبی وارد زبان فارسی گردید. و اشکال مختلفی به خود گرفت که یکی از اشکال آن، مرثی‌مذهبی است. مرثی‌مذهبی به طور عام در رثای بزرگان دین سروده می‌شود ولی بخش عمده‌ی آن‌ها در ارتباط با حادثه‌ی عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهدا است. به این دسته از مرثی‌مذهبی، ((مرثی‌عاشورایی)) می‌گویند. مرثی‌عاشورایی و انواع آن، پیشینه و سیر آن در ادب فارسی تا زمان معاصر موضوع اصلی این فصل از رساله است.

## ۱- مرثیه‌سرایی در ادب فارسی

در حوزه ادب فارسی سوگ‌نامه‌ها و مرثی‌های فراوان و جالب توجهی با تنوع مضامین مشاهده می‌شود. برای آشنا شدن با سیر مرثیه‌سرایی در حوزه ادبیات ایران لازم است با اصطلاح مرثیه و رثا آشنا شد. کتاب‌هایی که به مضمون مرثیه و مرثیه‌سرایی توجه خاصی داشته‌اند تعریف‌های مشابه و در عین حال گاه متفاوت از این واژه داده‌اند. در نتیجه برای تشخیص بهتر معنای داده شده از این نوع ادبی، واژه رثا و مرثیه تجزیه و تحلیل می‌شود.

واژه رثا از دو جهت قابل بررسی است:

واژه‌ی رثا از ماده‌ی (رثا) یا از ماده (رثو) گرفته شده است و مصادر آن به شکل‌های «رثایه»، «مرثاه»، «مرثیه»، «رثو» استعمال شده که به معنای گریستن و نوحه گرفتن و مرثیه خواندن بر مرده و عزیز از دست رفته‌ای می‌باشد و در اصطلاح به شعری که در ستایش و بیان نیکی‌های شخص از دست رفته سروده شود، اطلاق می‌گردد. (جتی‌فر، ۱۳۸۵: ص ۳۱).

البته برخی عقیده دارند که مرثیه تنها سوگ‌نامه و سروده‌ای در غم و فراق عزیزان و شخصیت‌های از دست رفته و بازگوکننده فضایل ایشان نیست، بلکه مفهوم محدودتری شمول آن بسیار گسترده است. براساس تعاریف عمومی‌تر مرثیه شعری است که شاعر در از دست دادن هر چیزی که برایش عزیز است می‌سراید. با این تعریف شعرهایی را که برای از دست دادن جوانی یا برای خرابی شهر یا ولایت سروده شده‌اند، می‌توان در این دسته جای داد. بزرگانی مانند زرین‌کوب حبسیات را هم در محدوده مرثیه گنجانده‌اند. (زرین‌کوب، ۱۳۷۱: ص ۱۵۵) ظاهراً شعری که درباره‌ی آلام و مصایب فردی یا جمعی سروده شده است از نظر ایشان مرثیه محسوب می‌شود.

جبور عبدالنور چنین نویسد:

«قصایدی که شاعران در سوگ آثار و نشانه‌های دولت‌های ساقط شده، آبادانی‌های زوال یافته، مجد و عظمت گذشته، به نظم کشیده‌اند، در شمار این مرثی‌اند» (جتی‌فر، ۱۳۸۵، ص ۲۹)



شاید بتوان این تعریف و دیدگاه درباره‌ی مرثیه و رثا را نتیجه‌ی این مطلب دانست که مرثیه‌سرایان با گذشت زمان، موضوعات و مصادیق غیرانسانی را در مرثی خود وارد ساختند؛ بدین معنا که دیگر انسان به تنهایی منظور و موضوع مرثیه‌سرایان نیست.

نقطه‌ی اشتراک و تفاهم دو دیدگاهی که درباره‌ی مرثیه گفته‌ایم: این است که مرثیه بیان فضایل و ستایش ارزش‌های از دست رفته و اندوه بر آن‌ها در قالب شعر است؛ با این تفاوت که یک دیدگاه آن را به افراد و مصادیق انسانی مختص می‌کند و دیدگاه دیگر به مفهومی فراتر معتقد است؛ مفهومی که نه تنها انسان، بلکه موضوعات غیرانسانی را هم شامل می‌شود.

افسری کرمانی در این زمینه نوشته است که: ((مرثیه شامل هر منظومه و سخن منظومی است که در سوگ عزیز، وطن، مهربانی، عشق و هر چه که از دست دادنش انسان را به سوگ و ماتم بنشانند، سروده شده است)). (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ص ۲۰)

#### ۱-۲- پیشینه‌ی مرثیه‌سرایي در ادب فارسی

بعد از آشنایی با معنی لغوی و اصطلاحی واژه‌ی مرثیه، پیشینه‌ی مرثیه‌سرایي در ادب فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به جهت شناخت کلی این مضمون لازم است دانسته شود که آیا مرثیه در سرزمین قبل از اسلام وجود داشته یا با ظهور دین مبین اسلام با فرهنگ ایرانی قرین گشته است. ترجیحاً در این بخش، مرثیه‌سرایي در دو دوره‌ی پیش از اسلام و عصر اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۲-۱- مرثیه‌سرایي در عصر اسلامی

درباره مرثیه‌سرایي ایران پیش از اسلام، اطلاع چندانی در دست نیست؛ ولی شواهدی نشان می‌دهد که مرثیه‌سرایي در ایران باستان وجود داشته است. نصراله امامی در این زمینه تحقیق وسیعی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که «رثای مرزکو» یکی از نمونه‌های شناخته شده این قبیل مرثی است که به زبان پهلوی اشکانی سروده شده است. این مرثیه در مرگ یکی از پیشوایان مانوی به نام «مرزکو» سروده شده و وزن آن براساس هجاهای تکیه‌دار است.

و براساس مطالعات صورت گرفته در شاهنامه، پیرامون مراسم سوگواری ایرانیان پیش از اسلام، مطالب چندانی دریافت نمی‌شود که در آن‌ها از مناقب و اوصاف متوفی سخنی رانده شده باشد. با این وصف در آثار گذشتگان نوحه سیاوش و لحن باربد در مرگ شب‌دیز یاد شده است؛ به هر حال این دو مورد را نشانه‌هایی از وجود مرثیه در ادبیات و فرهنگ عصر ساسانی می‌داند. (امامی، ۱۳۶۹: ص ۲۰-۲۱)

## ۱-۲-۲- مرثیه سرایی در ایران پس از اسلام

فرهنگ ایرانی پس از آن که دروازه‌های ایران به سوی اعراب گشوده شد؛ با فرهنگ اسلامی آمیخته و قرین گردید و ادبیات ایران با ادبیات عرب پیوند خورد به جهت شناخت مرثیه سرایی در ایران پس از اسلام ناگزیر به شناختن ویژگی‌های مرثیه در ادبیات عرب هستیم تا جویای تأثیر آن بر ادب فارسی شویم.

رثا در کنار سایر موضوعات شعر، باب مهمی از شعر عربی را به خود اختصاص داده است. شوقی ضیف ناقد و نویسنده مشهور مصر می‌گوید: «عرب رثا را از عصر جاهلی شناخت؛ زیرا مردان و زنان برای مردگان نوحه و زاری می‌کردند و مرثیه‌گویان کنار قبر ایشان ایستاده و صفات نیک آنان را می‌ستودند.» (همان، ص ۳۲)

برخی اعتقاد دارند که رثا در نزد اعراب، همانند سایر ملّت‌ها از اعتقادات سحرآمیز آنان ریشه گرفته است؛ زیرا رثا را موجب آرامش میت در قبر و مصونیت بازماندگان وی از شر و بدی می‌دانستند.

مراثی دوره‌ی جاهلی، نشان از زندگی بی‌پیرایه‌ی بادیه دارد و بدین جهت ملموس و طبیعی است. جرجی‌زیدان ظاهراً در مقایسه‌ی مراثی این دوره با دوره‌های بعد به خصوص دوره عباسی می‌گوید: «هنگامی که شاعر دوره‌ی جاهلی بر مرده‌ای مرثیه می‌گوید، خواننده نمی‌پندارد که آسمان بر زمین افتاده و خورشید دچار کسوف شده و گیتی جامه‌ی عزا بر تن کرده است.» (امامی، ۱۳۶۹: ص ۱۴).

در دوره‌ی عباسی اول، کوشش در زمینه رثا گسترش یافت. شاعران برای خلفا، سرداران، جنگاوران، مراثی دل‌انگیزی می‌سرودند. این مراثی بسیار پراحساس و آکنده از حماسه و قدرت و بزرگداشت شجاعت بود.

در این دوره صورت‌های جدیدی از مرثیه بوجود آمد. فی‌المثل، رثا برای شهرهای که ویرانی و حریق دامگیرشان شده بود و یا رثا برای پرندگان خوش آواز همچون قمری و حیوانات اهلی.

مرثیه‌سرایی در عصر جاهلی و عباسی تأثیری عمیق بر مراثی فارسی داشته است. شعرای فارسی زبان از مراثی عرب در مقام تقلید، چه در مضمون و چه در تصویر بهره‌ها جسته‌اند: البته جوششی که در مراثی فارسی است غالباً کمتر از مراثی عربی می‌باشد و بدین جهت است که در میان شاعران پارسی‌گوی، مرثیه نوع مستقیمی از شعر محسوب نمی‌شد و اگر گاهی در آثار پیشینان، در تقسیم‌بندی‌ها، مرثیه را نوعی خاص شمرده‌اند، تقلیدی از تقسیم‌بندی عربی بوده است. اندیشه استقلال مرثیه در شعر فارسی هم قدمت زیادی ندارد. (همان، ص ۱۷)

### ۳-۱- کهن‌ترین مرثیه در شعر فارسی دری

«مطالعه‌ی تاریخ شعر فارسی از قدیمی‌ترین ایام تاکنون نشان می‌دهد که شعر مرثیه از زمان رودکی با قصیده‌ی که در رثای شهید بلخی، متوفای ۳۲۵ هـ. ق و دیگران سروده، آغاز شده است». (آذر، ۱۳۷۹: ص ۲). پس نخستین شاعری که از او مرثیه مانده، رودکی سمرقندی است. بر ما معلوم نیست که شعرای ما قبل و معاصر رودکی مانند فیروز شرقی، ابوسلیک گرگانی، محمدوصیف سیستانی، ابوشکور بلخی و شهید بلخی و دیگران در این زمینه سخن گفته‌اند یا نه؛ چه دیوانی از این شاعران در دست نیست و جز معدود اشعاری از آنان باقی نمانده است و نمی‌توان براساس آن‌ها حکم کرد. و بعد از رودکی رثا در شعر شاعرانی چون فرخی، سعدی، خاقانی، امیرخسرو دهلوی، سنایی و... ادامه پیدا کرد.

### ۴-۱- قالب و اوزان مرثیه در شعر فارسی

مرثیه از نظر ماهیت جزء ادب غنایی است، شاعر در آن احساسات و عواطف خود را بیان می‌کند. مرثیه در ادبیات فارسی اغلب منظوم است و مانند دیگر انواع ادبی قالبی معین و معلوم ندارد. شاعران مرثیه‌سرا، سوگ و مرگ عزیزان خود را در قالب قصیده، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیح‌بند، مثنوی، رباعی و غزل به صورت پراکنده درج کرده‌اند؛ که در این میان قالب قصیده پرکاربردترین قالب در مرثیه است. شاعرانی که به سرودن مرثیه پرداخته‌اند، از وزن‌های مختلفی استفاده کرده‌اند، که پرکاربردترین آن‌ها، بحررمل، مضارع، هزج، مجتث، خفیف، منسرح، سریع و قریب می‌باشد. (افسری کرمانی، ۱۳۷۱، ص ۶۹-۷۰)

### ۵-۱- محتوا در مرثیه

در مرثیه و سوگنامه‌ها مفاهیمی چون مفاخره (شاعر در آن به بیان عظمت و بزرگی مصیبت و مدح میّت می‌پردازد)، پند و اندرز و اصول اخلاقی، وصایا و آروزهای میّت، شکیبایی بر مصیبت و دعا و نفرین (دعا برای بازماندگان متوفی، و یا نفرین بر قاتلان متوفی) وجود دارد. (همان، ص ۷۰-۷۱)

جنتی‌فر در مقاله‌ی مرثیه و سوگنامه‌های شاعران را، از جهت محتوا به سه نوع تقسیم می‌کند: در دسته‌ی اول، نوحه‌سرایی و گریه بر میّت با عبارتهای حزن‌آلود و کلمات اندوهگین است که در دل‌های سخت، اثر می‌کند و چشم‌های خشک را می‌گریاند. دسته‌ی دوم، مدح میّت و ستایش او را معنا

می‌کند. دسته‌ی سوم دعوت مصیبت‌زده بر صبر و شکیبایی بر مصیبت است. (جتی‌فر، ۱۳۸۵: ص ۳۱)

### ۱-۶-۱- انواع مرثی در ادب فارسی

با توجه به نمونه‌های موجود در شعر فارسی اقسامی را برای مرثی ذکر می‌کنند؛ البته ادعای قطعی در این زمینه وجود ندارد؛ زیرا برخی از این مرثی ذکر شده در ادبیات فارسی مصادیق چشم‌گیر و قابل توجهی را به عنوان شاهد و نمونه ندارند؛ شاید بتوان بر این تقسیم‌بندی مرثی دیگری را نیز افزود؛ که هنوز اطلاع کافی از آن‌ها در دسترس نیست. نصراله امامی مرثی را به شش دسته تقسیم کرده است:

مرثی درباری، مرثی شخصی، مرثی مذهبی، مرثی فلسفی، مرثی اجتماعی و مرثی داستانی.

(۱۳۶۹: ص ۳۶)

#### ۱-۶-۱-۱- مرثی درباری

این نوع مرثیه، شعری است که معمولاً در اظهار تأسف از مرگ سلطان یا وزیر یا یکی از بزرگان سروده شده است. (مردانی، ۱۳۸۱: ص ۴۸).

#### ۱-۶-۱-۲- مرثی شخصی

این نوع مرثیه بیشتر شامل اشعاری است که شاعر در سوگ زن، فرزند و یا شخص دیگری از خانواده یا فامیل خود و یا برای یاران و دوستان نزدیک خود می‌سراید. (همان جا)

#### ۱-۶-۱-۳- مرثی فلسفی

این نوع مرثی به بی‌وفایی دنیا، کوتاه‌بودن عمر و پایان ناگوار زندگی می‌اندیشد؛ به مرثی که در آن‌ها انعکاس این افکار باشد، مرثی فلسفی می‌گویند. (همان جا)

#### ۱-۶-۱-۴- مرثی اجتماعی

یکی دیگر از انواع مرثی، اشعاری است که به دلیل به وقوع پیوستن حوادثی همچون سیل و زلزله، ویرانی شهرها، تسخیر شهرها و ... سروده شده باشد (همان، ص ۵۱).

#### ۱-۶-۱-۵- مرثی داستانی